

14 معصومین علیہ السلام



درس یازدهم

سروِ سربلند سامرا

لحافِ عسکری





نام زیبایت را بارها شنیده‌ام.

همان نامی که پیامبر خدا برای اولین نوهی عزیزش گذاشت: «حسن».

در مدینه به دنیا آمدی؛ شهر زیبای پیامبر.

از کودکی یار و همراه پدر گرمی‌ات بودی.

سختی‌هایی را که حکومت ستمگر عباسی برای او ایجاد می‌کرد با چشم خویش می‌دیدي؛

هجوم آوردن به خانه، بازرسی کردن و به هم ریختن خانه و ...

پدرت امام هادی علیه‌السلام خیلی دوستت داشت و تو را چقدر خوب تربیت کرد تا

راهش را ادامه بدهی و پرچم هدایت مردم را به دوش بگیری.



خلیفه‌ی عبّاسی در سامرا در کاخی بزرگ بر تختِ قدرت تکیه زده بود. او نمی‌توانست پدرت را تحمّل کند و نمی‌خواست او را آزاد بگذارد.

خلیفه دستور داد تا پدر بزرگوارت را با زور و اجبار از مدینه به سامرا بیاورند و شما نیز در کنار او بودی.

سال‌ها پیش حاکمان ستمگر عبّاسی، نیاکان پاک شما را نیز به زور از شهر مدینه بردند؛

امام کاظم علیه‌السلام را به بغداد و امام رضا علیه‌السلام را به خراسان.

وقتی به سامرا رسیدید در جایی امن و آرام نبودید؛ بلکه شما را در محله‌ی «عسکر»

یعنی منطقه‌ی نظامیان سکونت دادند؛ جایی که همیشه صدای شیهه‌ی اسب‌های

لشکریان و فریاد فرماندهان و صدای چکمه‌های سربازان و شمشیرها و نیزه‌ها به

گوش می‌رسید. حاکمان عبّاسی می‌خواستند همیشه زیر نظرشان باشید.





پدرت را در سامرا به زندان انداختند و شما در سنّ نوجوانی جای خالی او را پرکردی.
هم مراقب مادر و خانواده‌ات بودی و هم مرتی و راهنمای مردم.
همین که بهار جوانی‌ات آغاز شد، پدرت را به شهادت رساندند و شما جانشین او و امام مردم شدی.

از همان اوّلین روزهایی که به امامت رسیدی، آزار و اذیت‌های حکومت شدیدتر شد!
جاسوس و مأمور اطراف خانه‌ات گذاشتند تا دوستانت را شناسایی کنند.
یاران و دوستانت را دستگیر می‌کردند و به زندان می‌انداختند یا شهید می‌کردند.
شما مخفیانه برایشان نوشتی: «وقتی مرا در میان شهر می‌بینید به من سلام
ندهید و با دست به من اشاره نکنید که جانتان در خطر است».
آه چقدر جانسوز بود چهره‌ی درخشان شما را دیدن و سلام را فرو بردن!

با وجود همه‌ی ستم‌ها و سختی‌ها، باز از هدایت مردم دست نکشیدی. مخفیانه برای مردم نامه می‌نوشتی و با کلمات نورانی و امیدبخش، نور ایمان را در دلشان زنده نگه می‌داشتی.

شما سرو سربلندی بودی که مردم ستم‌دهی سامرا می‌توانستند در سایه‌ی
پُرمهرش، آرام گیرند.

A decorative box with a light orange background and a thin orange border. It is adorned with several stylized flowers: a yellow one on the top left, a small orange one on the top center, a green one on the bottom left, and a cluster of blue and green ones on the bottom right.

برایم بگو

چرا خلیفه‌ی عباسی از آزادی امام حسن عسکری علیه السلام و ارتباط او با مردم می‌ترسید؟ زیرا امام با وجود ظلم و ستم فراوان خلیفه عباسی، باز هدایت‌گر مردم بود و باعث می‌شد قدرت خلیفه عباسی به خطر بیفتد و نتواند بر مردم حکومت کند.

ایستگاه خلافت

امام پرهیزگار

ترس در چشمان رئیس زندان موج می‌زند.
حاکم عباسی با عصبانیت به او می‌گوید: ما امام شیعیان را حبس کردیم؛ او را به
تو سپرده‌ایم اما تو بر او سخت نمی‌گیری ... چرا؟ ...
رنگش پریده و لب‌هایش به هم چسبیده است. آب دهانش را به زحمت فرو می‌برد
و با صدایی لرزان می‌گوید:
– من ... من چه کار ... می‌توانم بکنم؟
– چه کار می‌توانی بکنی؟ ... این همه راه برای اذیت و آزار او وجود دارد ...
با درماندگی می‌گوید: من ... او را به دست دو نفر از بد رفتارترین افرادم سپردم ...
ولی ...

– ولی چه؟! ... حرف بزن!
– ولی هر دوی آنها ... از هواداران حسن بن علی شده‌اند.
– چه می‌گویی؟ ... هر چه زودتر دستور بده آنها را بیاورند.

حاکم عباسی با خشم بر سر دو زندانبان فریاد می‌زند.
– وای بر شما! ... این چه برخوردی است که با امام شیعیان دارید؟ ... شما به جای اینکه او را آزار دهید، خودتان هم شبیه او شده‌اید؟
یکی از زندانبان‌ها با آرامش و شجاعت می‌گوید: ما درباره‌ی مردی که روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها را تا صبح به عبادت خدا مشغول است، چه می‌توانیم بگوییم؟
دیگری ادامه می‌دهد: از نگاهش مهربانی و عطوفت می‌بارد ... ما را به سفره‌ی ساده‌ی خویش دعوت می‌کند و همواره برای ما دعا می‌کند.
حاکم عباسی خشمگین و مضطرب است و احساس ذلت می‌کند.
همه سکوت کرده و سرها را به زیر انداخته‌اند. همه نگرانند.



ایستگاه فکر

❁ با توجه به داستان‌های درس، چند نمونه از ویژگی‌های امام حسن عسکری علیه السلام را بنویسید.

با ایمان

صبور

مهربان

پرهیزگار

❁ دوست داری کدام یک از این رفتارها را بیشتر در خودت ایجاد کنی؟
بر عهده دانش آموز

کامل کنید

✿ اگر من به زیارت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام

در سامرا بروم

از نزدیک آنها را زیارت می کنم و بر آنها سلام و درود می فرستم و برای تمام مسلمانان دعا می کنم.

✿ به نظر من چیزی که باعث می شد امام حسن عسکری علیه السلام در

زندان های تنگ و تاریک امیدوار باشد این بود که

با خدا راز و نیاز می کرد و همواره توکل بر خدا داشت و می دانست همیشه خداوند یاور ایشان است.

تدبّر کنیم

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

بهترین دوست تو کسی است که اشتباه تو را فراموش کند و
نیکی تو را از یاد نبرد.

چه ارتباطی میان سخن امام و این جمله وجود دارد:
همیشه باید خوبی های دوستان را به یاد داشته باشیم و اشتباهات او را از یاد ببریم.
«همیشه نیمه ی پر لیوان را ببین.»

با خانواده

با کمک اعضای خانواده دربارهی این تصاویر،
متنی کوتاه بنویسید و در کلاس بخوانید.
اطلاعات زیر را دربارهی زندگی امام حسن
عسکری علیه السلام جمع آوری کنید و به
کلاس گزارش دهید.

نام: امام حسن عسکری

محل تولد: مدینه

نام پدر: امام هادی (ع)

نام پدر بزرگ: امام جواد (ع)

مدت امامت: ۶ سال

شهرهایی که در آن زندگی کرده اند: مدینه - سامرا

دشمنان ایشان: خلیفه عباسی

محل دفن: سامرا



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۸۱
هجری شمسی



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۸۴
هجری شمسی



حرم امام حسن عسکری (ع)، سامرا، سال ۱۳۹۳
هجری شمسی